



دبیر اجرایی سیزدهمین جایزه ادبی جلال آل احمد به انتقادهای پاسخ می دهد

این سخت گیری به نفع ادبیات است

۱۲



نگار



چهارشنبه ۱۷ دی ۱۳۹۹
۲۲ | مجله آنلاین ۱۳۴۲
۲۰۲۱ | شماره ۹۳۳۶
ZENDIGI@QSDSONLINE.IR

پیکان در جدول سرعت گرفت

پرسپولیس بدون باخت به دربی رسید

۱۰

۱۲

۱۰

تعمید با دیپاتنه، میلیج و قایدی

آغاز حفظ ستارهها در استقلال

دفاع داور جایزه جلال از عدم معرفی برگزیده در داستان کوتاه

کار باید آن قدر خوب باشد که از خودش دفاع کند

ادعای برنامه تلویزیونی ال چرینگیتو

راموس: «پی اس جی» من و مسی را با هم می خواهد

حکایت امروز

کودکان ابدی، پدر و مادرهای هلیکوپتری

هرگاه مشکلی در زندگی شان پیش بیاید، آن‌ها از پدر و مادر توقع حل و فصلش را دارند. همیشه مسئولیت همه دردها، رنجها، مشکلات و ناکامی‌هایشان را به دوش والدین می‌گذارند. در سن ۴۰ سالگی هم اگر



دچار سرماخوردگی شوند منتظر مادری هستند که با ظرف آب سوپ داغ وارد اتاق شود، قربان صدقه‌شان برود و حتی آب بینی‌شان را بگیرد! این حکایت افرادی است که به «کودکان ابدی» معروف‌اند و فقط خودشان عامل و مقصر مشکلات زندگی‌شان نیستند. مشکلات این دست از افراد در واقع محصول روش تربیتی نادرستی است که ممکن است خیلی از ما نیز مشابه آن را در زندگی خودمان یا دیگران تجربه کرده باشیم. «فارس پلاس» در گزارشی به این مسئله مهم پرداخته که بخشی از آن را می‌خوانید.

امروزه صاحبزنان امور تربیت کودکان، زمینه تربیت را از لحظه انعقاد نطفه می‌دانند، اما از دیدگاه پیشوایان معصوم (ع) تربیت از زمان گزینش همسر شروع می‌شود و شیرازه شخصیت کودک از شخصیت پدر و مادر، مایه می‌گیرد.

اگر در خانواده، والدین خیرخواه برای حفاظت فرزندان در برابر خطر، در همه امور به جای آنان تصمیم بگیرند، این فرزندان تبدیل به کودکان ابدی خواهند شد، آن‌ها هیچ‌گاه تصمیم‌گیری و حل مسئله را نخواهند آموخت و همیشه نیاز به هدایت و حمایت خواهند داشت. این کودکان اگر در نقش «کودک مطیع و سازگار» فرو برنند منفعل، بی‌انگیزه، بی‌ابتکار و بی‌شوق و ذوق خواهند بود و افسرده‌خو و مهار شده هستند؛ اگر در نقش «کودک لجباز و ناسازگار» فرو برنند، همیشه نافرمان، لجوج، تخریبگر و پرخاشگر خواهند بود. به پدر و مادرهای همیشه حمایتگری که چنین کودکانی را پروراندند «پدر و مادر هلیکوپتری» می‌گویند که دکتر هیم گینوت در سال ۱۹۶۹ در کتابی به آن‌ها پرداخته است. از سال ۲۰۱۱ هم این اصطلاح وارد فرهنگ لغت غرب شده است.

هلیکوپتری‌ها والدینی هستند که برای درگیری‌های فرزندان مذاکره می‌کنند، تکالیف آن‌ها را انجام می‌دهند، مریبان فرزندان را آموزش می‌دهند، در یک پیاده‌روی کوتاه به دنبال آن‌ها می‌روند، مسئولیت تمام کارهای خانه فرزندان را بر عهده می‌گیرند، آن‌ها را از شکست محافظت می‌کنند و به آن‌ها حق انتخاب نمی‌دهند. این والدین سبب می‌شوند بچه‌هایشان هیچ گاه اعتماد به نفس نداشته باشند و نتوانند روی پای خود بایستند و همیشه کودک باقی بمانند. اگر حس می‌کنید شما هم از جمله چنین والدینی بوده یا به آن‌ها شبیه هستید به این چند توصیه دقت کنید: دخالت بیش از حد در کار کودک را متوقف کنید، بیش از حد نگران کودک نباشید، به او برجسب مثبت و منفی نزنید که تو خیلی لاغری، ضعیفی، استعدادت در آن حد نیست و... به کودک امکان انتخاب بدهید و آخر اینکه تمام زندگی‌تان را وقف او نکنید و نگویید تو همه زندگی ما هستی.



مقصر اصلی آلودگی این روزهای هوا را چقدر می‌شناسید؟

نفت کثیف

هوای کشور دارد. به همین خاطر هست که به مازوت «نفت کثیف» هم می‌گویند.

آب و خاک آلوده

اما چرا مازوت برای محیط زیست مضر است؟ بر اساس گزارش ایسنا، مازوت نوعی نفت کوره به حساب می‌آید و نفت‌های کوره از مواد شیمیایی مختلفی تشکیل شده‌اند. زمانی که این مواد به خاک یا آب‌های سطحی می‌رسند، بخشی از آن‌ها تخییر می‌شوند برخی دیگر نیز به دلیل نشستی مخازن نگهداری آن‌ها در آب و خاک حل خواهند شد. مواد شیمیایی تخییر شده می‌توانند در اثر تابش نور خورشید به ترکیبات دیگری شکسته شوند. این اتفاق در اثر فعالیت‌های قارچ‌ها و باکتری‌های داخل آب یا خاک هم صورت می‌گیرد. این مواد شیمیایی که در خاک و محیط‌های دیگر وجود دارند می‌توانند تا پیش از یک دهه در محیط زیست باقی بمانند.

خطرات تنفس مازوت

قست وحشتناک ماجرا اینجاست که در اثر سوختن مازوت، ترکیباتی موسوم به SOX منتشر می‌شود که بخش زیادی از آن را گاز سمنی به نام SO2 تشکیل می‌دهد. تنفس این گاز اغلب موجب درد قفسه سینه، مشکلات تنفسی، قرمزی چشم و افزایش احتمال بروز بیماری‌های قلبی و تنفسی می‌شود. مازوت‌ها همچنین پس از سوزانده شدن، ترکیباتی را به صورت ذرات بسیار ریز معلق در هوا منتشر می‌کنند که آن‌ها هم سمنی‌اند و کمترین نتیجه‌اش، افزایش بیماری‌های قلبی و تنفسی است. شاید برایتان جالب باشد که بدانید پدیده «باران اسیدی» هم در اثر سوزاندن بیش از اندازه مازوت ایجاد می‌شود.

چاره‌های ندادن

با وجود همه این مضرات که برای مسئولان مثل روز روشن است، خیلی از کاربران می‌پرسند چرا استفاده از مازوت در کشور متوقف نمی‌شود؟ هربار که رسانه‌ها انگشت اتهامشان را به سوی صنایع یکی از کلانشهرها می‌گیرند، مسئولان

محمد تربت‌زاده | اگر خاطرتان باشد چند روز پیش بود که آلودگی شدید هوا در نقاط مختلف کشور، سوزه فضای مجازی شد. به‌خصوص آلودگی بی‌سابقه هوای تهران که حواشی آن بیشتر از سایر نقاط کشور بود. برخی از کارشناسان می‌گفتند آلودگی هوای تهران به حدی رسیده که احتمال سیگار از تنفس هوای پایتخت، کم‌خطرتر است! روز گذشته هم حواشی درباره آلودگی هوا، با اظهار نظر دکتر افشین رخشا وارد فاز تازه‌ای شد. این آنکولوژیست گفته بود: آلودگی هوا، مرگ و میر ناشی از انواع سرطان به‌ویژه سرطان سینه و پانکراس را افزایش می‌دهد. موضوعی که حساسی کاربران فضای مجازی را از دست مسئولان عصبانی کرده است. نه اینکه مشکل آلودگی شدید هوا در فصل سرما موضوع تازه‌ای باشد اما برخلاف سال‌های گذشته که مسئولان مقصر اصلی را کیفیت پایین بنزین‌ها، خودروهای فرسوده و تک‌سرانشین و... اعلام می‌کردند، امسال انگشت اتهام به سوی مازوت‌سوزی گرفته شده و نیروگاه‌ها و صنایع خاص مقصر اصلی آلودگی هوا شناخته می‌شوند.

نوعی نفت کوره

«مازوت» یکی از داغ‌ترین هشتگ‌های این روزهای فضای مجازی است. خیلی از کاربران حتی بدون آنکه بدانند مازوت چیست، با انتشار این هشتگ، از مسئولان می‌خواهند چاره‌ای برای رفع این مشکل ببینند. در این میان اما سؤال اصلی این است که مازوت نوعی نفت کوره به شمار می‌آید که کیفیت پایین و ویسکوزیته -یا همان گران‌روی- بالایی دارد و در نیروگاه‌های حرارتی و موارد مشابه از آن استفاده می‌شود. طبق اعلام سایت علمی و آموزشی «فرادرس» مازوت که به طور عمده توسط کشورهای روسیه، قزاقستان، آذربایجان، ترکمنستان و ایران تولید می‌شود به‌منظور گرم کردن دیگ بخار برای تولید بخار مورد استفاده قرار می‌گیرد، چراکه این ماده، گرمای سوختن بسیار بالایی دارد. یکی از اصلی‌ترین اجزای مازوت، گوگرد است که نقش مهمی در آلودگی این روزهای

روزمره نگاری

به خود نظر کن، آینه لال است



رقیه توسلی: «عظمت، کلمه‌ای است که مرا حساسی می‌ترساند، چون خوب می‌شناسمش».

امروز این جمله ملکه ذهنم شده و نمی‌توانم قفلی نزنم رویش... واقعاً چرا تمام این سال‌ها بی‌اعتنا از کنار این واژه گذشتم. درست مثل خیلی از کلمات دیگر!؟

روز جالبی است. «عظمت» می‌آید، می‌نشیند توی دلم، جوری که انگار نخستین بار است دیده و شنیده باشمش. بیشتر هم که دقت می‌کنم می‌بینم برایم شده شکل چراغ قوه. روشنش می‌کنم و راه می‌افتم. بد نمی‌بینم حالا که پا داده به‌واسطه‌اش دوروبرم را بیشتر بچورم.

نور این کلمه را می‌چرخانم در اتاق. روی قاب عکس «آقاجان و عزیز» که می‌افتم، پرننگ‌تر می‌شود. عظمت، دست روی نقطه درست می‌گذارد. آن‌ها بی‌تردید عظیم‌ترین‌هایم به حساب می‌آیند.

دوباره خودش را می‌گرداند و این‌بار مانور، کتاب‌های پخش و پلائی روی میز است و ذکرشمارهای رنگی رنگی. به‌منظرم آن‌ها هم انتخاب لایقی باشند برای دریافت این کلمه.

عظمت، محط نمی‌ماند و باز نورگردانی می‌کند. کلمه فعال و کاردرستی است. خیلی دوستش دارم و توی قلبم جا باز کرده برای خودش. یک‌طورهایی شده‌ام وردستش تا او باشکوه‌های زندگی‌ام را نشان بدهد و من سرفروست بیشتر قربانشان بروم.

این‌بار روی تصویر حاج قاسم در تلویزیون متوقف می‌شود. لیچند می‌زنم و زیرلی می‌گویم: مگر می‌شود به سینه این سردار، مدال جلال و صلابت را نیاویخت؟

بعد روی لباس کار آویز شده پشت در، نور می‌ریزد. پیش خودم می‌گویم البته که راه را درست آمدی. این‌ها را «آقای همسر» موقع باغبانی تن می‌کنند. بعد خودش را می‌پاشد روی گل‌دان‌هایی که قرار است بروند خانه خواهری و برادرخان. گل‌دان‌هایی که ۶ روزی است خریده‌ام به نیتشان و تحویلشان نداده‌ام هنوز... و روی دفتر حساب و کتاب و فاکتورهای آپارتمان. همین‌که سرگرم رتق و فتق آموزش شده‌ایم سال‌ها.

ابرو بالا می‌دهم و دیگر دنبالش نمی‌کنم. به‌گمانم کلمه عظمت، گفت آنچه را که باید و حکمتش را حالی‌ام کرد. بی‌نوش: گاهی شاگردی و وردستی چقدر می‌چسبند.

روایت مجازی

فرصت فکر کردن به آرزوهایش را نداشت!



پسری که چند سال پیش به برنامه «ماه عسل» دعوت شده بود، دو روز پیش و در سن ۱۸ سالگی خودکشی کرد.

او کودک کاری بود که با دوستانش میهمان این برنامه بودند و در پاسخ به پرسش مجری که پرسید چه آرزویی داری؟ گفت: از صبح تا شب سر کار بودم وقت نکردم به آرزویم فکر کنم! رضا که تازه‌اش در یک تئاتر نقش آفرینی می‌کرد و آن طور که از صفحه‌اش در فضای مجازی مشخص است، آدم شاد و سرزنده‌ای بود. بی هیچ توضیح و تفسیری، فقط نظرات کاربران فضای مجازی را درباره این رخداد تلخ بخوانید: «رضا رفت اما هزاران رضا هستند که باید مراقبشون بود، مراقب آرزوهای که حتی وقت فکر کردن به اون رو ندارند... دارم به این فکر می‌کنم که چرا به ایران نتونستیم نجاتش بدیم، چرا نتونستیم مانعی بشیم تا به اینجا نرسه؟ نتونستیم یا نخواستیم؟... اون لحظه که توی برنامه ماه عسل گفت وقت نکردم آرزو کنم با خودم گفتم چقدر عاقل، چقدر باهوش! ولی همون لحظه گفتم زندگی این آدم‌ها از بقیه سخت‌تره چون همه چیزو زودتر درک می‌کنن. کاش هیچ وقت رضای دیدگه‌ای توی دنیا این‌جوری زندگی نکنه... قلمم می‌سوزه برای رضا که حتی وقت نکرد آرزو کنه... او امشب نمرد، اون شبی که دیدگه آرزویی نداشت، مرده بود، امشب فقط نفس نمی‌کشه... خب باید بگم کسی که سابقه خودکشی نداره واقعاً نمی‌تونه بفهمه لحظات آخر چی به اون آدم می‌گذره... چون هیچ‌کس از زندگی کردن بدش نمیداد و باید بدوند که اون لحظه بدجور آدم ترسیده و تنهاست... حالا آرزوهای نکرده‌اش زیر خاک رفتن».



جایزه «جلال» راهش را گم کرده است

سیزدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد در ساعات پایانی روز دوشنبه (۱۵ دی ماه) در حالی برگزار شد که کمتر نشانی از آن شکوه، شور و حال دوره‌های اولیه داشت و بیشتر شبیه یکی از برنامه‌های عادی تلویزیونی بود که جذابیت چندانی برای مخاطبان نداشت. برنامه تلویزیونی شب‌های هنر که روزهای دوشنبه به کتاب و کتاب‌خوانی اختصاص دارد، این هفته به موضوع جایزه ادبی جلال آل احمد اختصاص یافته بود و این همه آن چیزی بود که دست اندرکاران جایزه ادبی جلال آل احمد برای مراسم اختتامیه آن اندیشیده بودند.

البته این همه ماجرا نبود که سردی و کسالت را به این رویداد بزرگ ادبی وارد کرده بود. رویدادی که می‌توانست سال به سال به شکوه و رونق خود بیفزاید اما متأسفانه سال به سال سرد و بی‌روح شده است و حالا کمتر کسی هیجان روز و ساعت اختتامیه آن را دارد. اما این همه پسرفت از کجا نشأت می‌گیرد و چه کسی یا چه کسانی باعث و بانی افول این جایزه ادبی هستند. پاسخ دادن به این پرسش شاید در وهله نخست آسان به نظر نرسد اما با کمی تأمل در اهداف این جایزه و دوره‌هایی که سپری کرده و نتایج و شرایطی که در پی داشته، پاسخ برخی پرسش‌ها پیدا می‌شود.

اهداف این جایزه از همان ابتدا بزرگ و ستودنی بود؛ «ارتقای زبان و ادبیات ملی -دینی» از رهگذر بزرگداشت پدیدآورندگان آثار ادبی برجسته، بدیع و پیشرو. البته با این تبصره و توضیح که تنظیم ضوابط و ارائه مشوق‌های مربوط به این جایزه باید در راستای تولید فکر ادبی - هنری اسلام‌گرا و تقویت روحیه انتقادی - علمی نسبت به ترجمه‌های موجود ادبی و هنری باشد. دایره قالب‌های ادبی مورد داوری هم در ابتدا چندان گسترده و بزرگ نبود و شامل داستان بلند و کوتاه، نقد ادبی و کتاب‌های مستندنگاری و تاریخ‌نگاری بود و نکته کلیدی که نام این جایزه را از همان ابتدا سر زبان‌ها انداخت، میزان و ارزش مالی جایزه ادبی جلال آل احمد بود که در زمان خود یک نوع بدعت‌گذاری هم محسوب می‌شد؛ نشان ادبی جلال آل احمد به علاوه ۱۱۰ سکه بهار آزادی ارزش جوایز نفرات اول هر کدام از رشته‌های این جایزه بود. این تعاریف در آیین‌نامه جایزه ادبی جلال آل احمد آمده و در ابتدا قرار بود سرمشق همه دوره‌های برگزاری این جایزه باشد اما به مانند بسیاری از طرح‌ها و آیین‌نامه‌ها در کشور ما که در فرایند اجرا دچار تغییرات متعددی می‌شوند، جایزه ادبی جلال آل احمد هم وقتی وارد فرایند اجرایی شد، تغییرات را به خود دید و سال به سال از اهداف اولیه و ماده‌های آیین‌نامه دور شد.

یکی از نشانه‌های آشکار دور زدن آیین‌نامه از همان دوره‌های اولیه، کاستن از ارزش مالی جایزه بود که معلوم شد قرار نیست هر سال ۱۱۰ سکه به هر یک از برگزیدگان هر یک از رشته‌های مورد داوری داده شود. منابع مالی سال به سال محدود می‌شد اما دوست‌اندرکاران جایزه توجیه دیگری را جایگزین می‌کردند. دم‌دستی‌ترین توجیه دست‌اندرکاران جایزه این بود که هیچ کتابی در رشته مورد نظر واجد شرایط دریافت این جایزه نیست. به عنوان مثال، در بخش رمان یا داستان کوتاه معمولاً فهرستی از کتاب‌های راه یافته به مرحله نهایی اعلام می‌شد اما در روز اختتامیه در برخی رشته‌ها اعلام می‌شد بنا بر نظر هیئت داوران هیچ یک از کتاب‌های راه یافته به مرحله نهایی شایستگی دریافت این جایزه را ندارد. رویکرد ناخوشایندی که امسال هم به نوعی تکرار شد و در بخش «داستان بلند و رمان»، هیئت داوران این دوره هیچ کتابی را به عنوان برگزیده انتخاب نکردند و فقط کتاب «اوارد نیمروز» اثر منصور علیمرادی را «شایسته تقدیر» دانستند. این یعنی در بخش داستان بلند و رمان هیچ کتابی شایستگی دریافت جایزه اول و ۱۱۰سکه را ندارد. اما اتفاق بدتر از این هم امسال در جایزه جلال آل احمد افتاد و آن، نظر عجیب و غریب هیئت داوران بخش «داستان کوتاه» بود که اعلام کردند امسال نویسندگان بخش داستان کوتاه حتی شایسته تقدیر هم نیستند. توجیه این داوران به نوعی نمک‌پاشی بر زخم نویسندگانی بود که در بدترین شرایط، چراغ این قالب ادبی را روشن نگه داشته‌اند. در چنین شرایطی هیئت داوران بخش «داستان کوتاه» سیزدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد با اتفاق نظر اعلام کردند مجموعه‌های داستان کوتاه رسیده به دبیرخانه، دارای ساختار و محتوای قابل قبولی از نظر ویژگی‌های فنی و تکنیکی داستان کوتاه نیستند، بنابراین انتخاب برگزیده یا شایسته تقدیر جایزه ادبی جلال آل احمد از بین آثار رسیده به دبیرخانه این رویداد ادبی فاقد توجیه فنی و حرفه‌ای است. این نوع برخورد می‌تواند پیامدهای ناگواری در بازار کتاب ایران داشته باشد و جایگاه این جایزه با آن همه هزینه و تبلیغات زیر سؤال می‌رود که این اتفاق در حال وقوع است.

♦ به عنوان نخستین پرسش بگویید چرا جایزه جلال امسال در سه بخش برگزیده نداشت؟

اعتبار یک جایزه به تعداد برگزیده‌ها نیست اعتبار یک جایزه به این است که داوران بتوانند آزادانه داوری کنند. در بخش داستان کوتاه و رمان اصرار داوران بر بررسی آثار بود و گاهی یک کتاب را چندین بار خوانده‌اند و راجع به آن بحث کردند. اما ما به عنوان مجری و دبیرخانه اجرایی جایزه زمانی کارمان را درست انجام می‌دهیم که بتوانیم بر رأی داوران تمکین کنیم. در بخش رمان فقط سه نامزد داشتیم و در بخش داستان کوتاه فقط دو نامزد. هیچ دبیرخانه‌ای دوست ندارد کارش ناتمام و ناقص باشد اما وقتی داوران به اجماع برسند که بیش از این تعداد نمی‌شود نامزد معرفی کرد و حتی در بخش داستان کوتاه نمی‌توان کاری را به عنوان برگزیده معرفی کرد، ما هم باید از این نظر صیانت کنیم. بیانیه هیئت داوران بخش داستان کوتاه هم صریح بود. ما هم آزرده هستیم که چرا وضعیت داستان کوتاه به گونه‌ای است که دست داوران را برای انتخاب کتاب شایسته بسته است. اما بخشی از مطالبه شما می‌تواند در کنار مطالبه ما از جامعه داستان‌نویسی باشد. یعنی ما بگوییم چرا وضع داستان ما به گونه‌ای است که نظر داوران را جلب نمی‌کند. گروه داوری از یک طیف فکری نبودند اما با اجماع کامل این رأی را دادند و این هشدارى است به ناشران. مطالبه را باید به سمت ناشران برد؛ چرا آثاری منتشر می‌شود که داوران نمی‌توانند از میان آن‌ها با فراغ بال کتابی معرفی کنند.

♦ اما این تصور ایجاد شده که این نوع داوری به خاطر پایین آمدن هزینه‌های جایزه بوده است.

نه. جایزه اگر بخواهد به مؤلف یا نویسنده تعلق بگیرد هرگز به عنوان هزینه تلقی نمی‌شود چون نوعی سرمایه‌گذاری است. ما هم خوشحال می‌شدیم آثاری در بخش داستان کوتاه وجود می‌داشت که داوران بر انتخاب آن به اجماع می‌رسیدند و آن را به عنوان اثر برگزیده انتخاب می‌کردند.

♦ در چند سال مختلف شما به بخش مستندنگاری جایزه دادید اما به بخش‌های داستان و نقد ادبی توجه نشده است. به طوری که این تصور شکل گرفته که جایزه جلال تنها به کتاب‌های مستندنگاری جایزه می‌دهد.

ببینید جایزه جلال آل احمد، جایزه ادبی است و فقط برای داستان و رمان نیست. اما وقتی ناشران بخش مستندنگاری فعالیت دقیق‌تری دارند و کارشناسان جدی‌تری آثار را برای نشر تأیید می‌کنند و در انتشار اثر، موشکافانه‌تر برخورد می‌کنند این اجازه را به داوران می‌دهد که در این بخش با خیال راحت اثر انتخاب کنند چون کتاب‌های دارای استانداردهای لازم است اما مجموعه‌داستان‌ها نتوانستند داوران را مجاب کند که یک اثر را به عنوان اثر برتر معرفی کنند تا آن‌ها بتوانند پشت‌اثر بیاستند و از آن دفاع کنند. حتی در ۶ دوره اول در چهار بخش جایزه جلال که ۲۴ جایزه می‌شد فقط یک کتاب جایزه گرفته است.

♦

شاید اتفاق بدی باشد اما اتفاق زشتی نیست، اتفاقاً برگزیده نداشتن قابل دفاع است. این سخت‌گیری به نفع ادبیات است. ♦ برخی می‌گویند بیانیه هیئت داوران در بخش داستان کوتاه توهین‌آمیز بود و جایزه ندادن از کم‌بینی داوران نشأت می‌گیرد نه چیز دیگر. مگر همان هیئت داوران که در هوای همین ادبیات نفس کشیده‌اند، چه شاهکارهایی تا به حال خلق کرده‌اند؟ ♦ این‌ها پرسش‌های ما یا سعه صدر پاسخ داد. گفت‌وگوی ما را بخوانید.

♦ احساس می‌شود مبنای جایزه جلال، جایزه ندادن به نویسنده‌هاست یعنی همه تلاشش را می‌کند که اثری را به عنوان برگزیده اعلام نکند!

نه این تحلیل اشتباهی است. من به عنوان دبیر اجرایی این جایزه صادقانه سوگند می‌خورم این نگاه وجود نداشته است. ما با همه توان پشت نظر حرفه‌ای داورانی می‌ایستیم که توسط هیئت علمی انتخاب شده‌اند. ما نمی‌توانیم از نظر داوران عدول کنیم. جایزه جلال یک جایزه ملی است. وقتی کتابی قرار است برگزیده یکی از بخش‌های این جایزه باشد داورها باید تا ابد پاسخگوی فنی انتخابشان باشند و وقتی به اجماع نمی‌رسند کتابی را به عنوان برگزیده انتخاب کنند و از آن دفاع کنند، این کار را نمی‌کنند. برگزیده و شایسته تقدیر هر دو برنده هستند و مبلغ جایزه بین این دو سطح تفاوت چندانی ندارد اما واقعاً در بخش رمان، نامزدها به سطح برگزیده نرسیدند و اثر «اوارد نیمروز» به عنوان شایسته تقدیر انتخاب شد.

♦ عده‌ای معتقدند برگزیده نداشتن در بعضی بخش‌های یک جایزه ادبی، زشت‌ترین کار یک جایزه می‌تواند باشد.

دبیر اجرایی سیزدهمین جایزه ادبی جلال آل احمد به انتقاده‌ها پاسخ می‌دهد

این سخت‌گیری به نفع ادبیات است



سیزدهمین دوره جایزه ادبی 13th جلال آل احمد Jalal Al-e Ahmad Literary Award Autumn 2020 پاییز ۱۳۹۹

♦ **ا**خدیجه زمانیان | جایزه جلال که در سال‌های اخیر به عنوان مهم‌ترین جایزه ادبی کشور معرفی می‌شود، در تمام سال‌های برگزاری خود با حاشیه‌ها و انتقادهایی روبه‌رو بوده است. حاشیه‌های این جایزه امسال با ادغام خانه شعر و ادبیات داستانی در مؤسسه کتاب و ادبیات ایران شروع شد، با کرونا و تغییراتی که در برگزاری جایزه به وجود آمد ادامه یافت و با اختتامیه پرحاشیه این جایزه به پایان رسید. عدم معرفی برگزیده در سه بخش جایزه جلال موجب شد این دوره جایزه هم از حاشیه‌ها در امان نماند. از زمان برگزاری مراسم اختتامیه در فضای مجازی و رسانه‌ای کشور واکنش‌های تندى علیه نوع داوری جایزه امسال صورت گرفت. پیرو اتفاق‌های افتاده به سراغ بهروز جلالی، دبیر اجرایی سیزدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد رفتیم و از او درباره آنچه در این دوره جایزه اتفاق افتاده، پرسیدیم. بهروز جلالی به همه پرسش‌های ما یا سعه صدر پاسخ داد. گفت‌وگوی ما را بخوانید.



گرفتم چون به دنبال ایجاد این حرکت هستیم تا نویسنده‌های جوان بنویسند. متأسفانه بعضی از نویسنده‌های جوان ما در این جایگاه قرار گرفته‌اند که می‌گویند، کتاب نمی‌خوانند.

این مسئله اتفاق ویرانگری است. نویسنده‌ها آثار یکدیگر را نمی‌خوانند.

♦ با وجود همه این معضل‌ها جایزه برای نویسنده‌ای که استعداد نوشتن دارد، ایجاد انگیزه می‌کند.

خب این معضل است. وظیفه ما که جایزه دادن نیست، وقتی نویسنده‌ها به عنوان داور آثار را دیده‌اند و کتاب‌ها را به عنوان نامزد معرفی کرده‌اند می‌گویند کتاب‌ها اشکال‌هایی داشته که نمی‌توانستند به عنوان اثر برگزیده نظر داور را جلب کنند.

غلط انشایی و نگارشی، خلق شخصیتی که در اواسط رمان رها شده و یا داستان‌های کوتاه کپی از داستان‌های خارجی بوده است. ما در بخش داستان کوتاه، کتابی بی‌اشتباه پیدا نکردیم. داستان‌نویس در اثرش اشکال دستوری داشته است. این‌ها نظرات داوران ما پس از بررسی آثار است و من دارم نظر آن‌ها را منعکس می‌کنم. من

شاید اتفاق بدی باشد اما اتفاق زشتی نیست، اتفاقاً برگزیده نداشتن قابل دفاع است. این سخت‌گیری به نفع ادبیات است.

♦ برخی می‌گویند بیانیه هیئت داوران در بخش داستان کوتاه توهین‌آمیز بود و جایزه ندادن از کم‌بینی داوران نشأت می‌گیرد نه چیز دیگر. مگر همان هیئت داوران که در هوای همین ادبیات نفس کشیده‌اند، چه شاهکارهایی تا به حال خلق کرده‌اند؟

این‌ها پرسش‌های ما یا سعه صدر پاسخ داد. گفت‌وگوی ما را بخوانید.

♦ عده‌ای معتقدند برگزیده نداشتن در بعضی بخش‌های یک جایزه ادبی، زشت‌ترین کار یک جایزه می‌تواند باشد.

سیزدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد به کار خود پایان داد

در بخش مستندنگاری داوران، دو کتاب فرانکس ۱۱۶۰ (اینجا آبادان؛ صدای مقاومت و ایستادگی) به قلم فضل‌الله صابری از شرکت انتشارات سوره مهر (دتر فرهنگ و مطالعات پایداری اصفهان) و گوهر صبر (خاطرات گوهرالشریعه دستخوب) به قلم طیبه یازوکی از شرکت انتشارات سوره مهر را به عنوان برگزیده مشترک این بخش انتخاب و معرفی کردند. مصطفی رحیمی، سعید علامیان و گلعلی بابایی به عنوان داوران بخش مستندنگاری آثار مرتبط با این بخش را بررسی کردند.

عنوان داوران بخش داستان کوتاه به بررسی آثار مرتبط با این حوزه پرداختند.

در بخش نقد ادبی، داوران کتاب تاریخ بدن در ادبیات به قلم سیدمهدی زرقانی (با همکاری: زهرا آقابابایی خوزانی، امید ایرانلو، فاطمه جهانپور، حمیدخادمی، محسن شرفایی و فرزانه فرخ‌فر) از نشر سخن را شایسته تقدیر دانستند.

حمیدرضا شعیری، محمدرضا سنگری و کامران پارسی‌نژاد داوری آثار بخش نقد ادبی را بر عهده داشتند.

زاویه دید

دفاع داور سیزدهمین دوره جایزه جلال از عدم معرفی برگزیده در بخش داستان کوتاه

کار باید آن قدر خوب باشد که از خودش دفاع کند

مالی داشته باشد. این نوع کمک‌ها باید از یک فرایند دیگر انجام شود. یعنی شان اثر برگزیده جلال اجل از این است که به دروغ اثری که شایسته نبوده را برگزیده کنیم و بگوییم این کار خیلی عالی بوده است و باید به نویسنده آن کمک کنیم. حمایت از نویسندگان وظیفه دولت و نهادهای دیگر است. هنر و ادبیات جایگاه خودش را دارد. کار باید آن قدر خوب باشد که از خودش دفاع کند. این را هم بدانید که وقتی اثری خوب و قابل قبول باشد و فریاد برزند که به نویسنده من، به خالق من جایزه بدهید، آن کسی که از همه بیشتر خوشحال می‌شود داور است و اولین شعف و رضایتمندی را آن‌ها در قلب خودشان احساس می‌کنند. این نویسنده ادامه داد: بعضی سال‌ها واقعاً دستاوردی از سمت نویسندگان دیده نمی‌شود. ما امسال در جایزه قلم زرین هم در بخش داستان کوتاه همین وضعیت را داشتیم. همه جای دنیا هم همین طور است و این چیزی نیست که فقط در ایران رخ بدهد. اتفاقاً باید از هیئت داوران قدردانی کنید که تحت تأثیر جو قرار نگرفته و یک کار ضعیف را برگزیده نکرده‌ایم! امسال بخش داستان کوتاه اثر شایسته برای برگزیده شدن نداشت و ما هم بر اساس معیارهای جایزه جلال داوری کردیم. امیدوارم در سال بعد و سال‌های بعد وضعیت بهتری در داستان کوتاه شاهد باشیم.

هیئت داوران بخش داستان کوتاه سیزدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد ضمن سپاس از همه نویسندگان ارجمند که آثارشان در این دوره مورد بررسی قرار گرفت، با اتفاق نظر اعلام کردند که مجموعه‌های داستان کوتاه رسیده به دبیرخانه، دارای ساختار و محتوای قابل قبولی از نظر ویژگی‌های فنی و تکنیکی داستان کوتاه نیستند بنابراین انتخاب برگزیده یا شایسته تقدیر جایزه ادبی جلال آل احمد از بین آثار رسیده به دبیرخانه این رویداد ادبی فاقد توجیه فنی و حرفه‌ای است.

داریوش عابدی، راضیه تجار و عبدالمجید نجفی به

دفاع زیر سؤال ببرد. ما نمی‌توانیم کتابی را که در حد برگزیده نیست به دروغ برگزیده کنیم. اگر این کتاب‌ها آن معیارها را داشتند و آن تأثیر تکان‌دهنده لازم برای یک مجموعه داستان کوتاه را داشتند، ما معرفی می‌کردیم. یک مجموعه داستان کوتاه را معمولاً ۱۳-۱۲ داستان می‌سازد.

ممکن است در این مجموعه یکی دو تا داستان خوب بوده باشد، ولی اکثریت داستان‌ها این گونه نیست. داستان‌های ضعیف کتاب معدل کتاب را پایین می‌آورد و جا را برای داستان‌های خوب هم تنگ می‌کند. داور بخش داستان کوتاه جایزه جلال در پاسخ به این پرسش که چرا هیئت داوران با توجه به شرایط سخت اقتصادی و مشکلات‌هایی‌که نویسندگان برای تولید اثر با آن دست و پنجه نرم می‌کنند جایزه مالی جلال را به نامزدها تقدیم نکرده‌اند، گفت:

این درست نیست که آدم بخواهد از طریق تأیید نابجای یک اثر به نویسنده‌ای کمک

نوشته شده است، انتظارها خیلی بالاست. امسال هم این معیارها در کتاب‌های مورد بررسی دیده نشده و وقتی دیده نشده است، چطور از ما توقع دارید کسی را به عنوان برگزیده انتخاب کنیم. اگر مثلاً در بخش سینمای جشنواره فجر یا هر جشنواره‌ای بیایند و به فیلم‌هایی

که نباید، جوایز را تقدیم کنند، خود شما به عنوان بیننده یا خبرنگار فریادتان بلند نمی‌شود که چرا این کار را کردید؟

♦ **ن**باید هیئت داوران را زیر سؤال ببریم

تجار در ادامه با بیان اینکه نباید از جایگاه داوران غافل شد، افزود: داوران جایزه جلال نباید به خاطر انتخاب یک

کتاب ضعیف زیر سؤال بروند. داور که نباید خودش را به خاطر یک کار ضعیف و غیرقابل

موظف هستیم از رأی داوران صیانت کنیم. حالا وظیفه جایزه ادبی این است که به بررسی این مسائل بپردازد یا خودش را ملزم به جایزه دادن کند؟ ما باید پیگیر شویم که مسئله نشان می‌دهد جامعه ادبی ما کتاب نمی‌خواند. آیا کتاب نخواندن نویسنده معضل است یا جایزه ندادن ما؟

یا به وضعیت ترجمه در کشور بپردازیم که چرا ترجمه در کشور ما این همه لجام‌گسیخته است و ناشران علاقه دارند، ترجمه منتشر کنند.

♦ اما نگاه دیگری می‌گوید جایزه ادبی باید به کسی داده شود که او را نویسنده می‌کند و اگر استعداد نویسندگی دارد نرود دنبال شغلی مثل کارمندی!

این نگاه هم درست است و اگر مسئولیت داشتم حتماً این مسئله را به گروه‌های داوری دوره‌های بعد منعکس می‌کنم اما به داور جایزه هم این حق را بدهید که اثری را معرفی کند که بتواند از آن دفاع کند. آیا نویل با این نگاه جایزه می‌دهد؟ در جوایز دیگری مثل جایزه‌های منطقه‌ای این سخت‌گیری داوری وجود ندارد اما در جایزه جلال که مدعی هستیم به نوعی نوبل ادبیات ایران است، باید سختگیرانه‌تر دست به انتخاب اثر زد. اگر داوران کتابی را برگزیده اعلام می‌کردند که مخاطب در آن مشکلات فنی مثل اشکال‌های انشایی، شخصیت‌پردازی و یا زاویه دید پیدا می‌کرد، خود شما می‌گفتید جایزه کتاب سال به کتابی تعلق گرفته که چنین مشکلاتی دارد. سخت‌گیری‌ها اگر چه تلخ است اما گاهی نتیجه خوبی دارد و اتفاق‌هایی که در دوره سیزدهم جایزه جلال افتاد حتماً به نتایج خوبی منجر می‌شود. گاهی تسامح سبب استمرار ضعف می‌شود.

♦ درست است اما باید در فضای غم‌آلود امروز وسعت نظر داشت و چه خوب است ادبیات در این مسیر پیشقدم شود و داوران راحت‌تر دست به بررسی آثار بزنند.

چه خوب است در بخش‌های آموزشی و پژوهشی این وسعت نظر را داشته باشیم نه اینکه خودمان را ملزم کنیم که حتماً در بخش داستان کوتاه و رمان برای خوشامد مطبوعات، منتقدان و نویسندگان اثر برگزیده اعلام کنیم.

از ما کار اصولی و زیرساختی بخواهید و اجازة دهید در بخش پژوهشی و آموزش جبران کنیم. صرف جایزه دادن برای خوشامد و رضایت، اقدام حرفه‌ای نیست. باید همه کمک کنیم کار حرفه‌ای انجام دهیم. از سوی داوران و دبیرخانه سیزدهمین دوره جایزه جلال، برای ادبیات ایران داوری تلخی تجویز شد که امیدوارم این اتفاق تأثیر خودش را بگذارد.